

اقتصاد ایران همزمان با تدوین برنامه جامع بازاریابی به نوسازی نیازمند است

مأموریت دستگاه‌های اقتصادی در پساچنگ

اقتصاد کشورمان در شرایط پساچنگد در وضعیتی بین بازسازی و انباشت مطالبات قرار گرفته است. نخستین اولویت در این دوره، بازاریابی است اما این بازسازی نباید صرفاً به معنای بازرگاندن شرراط موجود باشد. آنچه اقتصاد ایران به آن نیاز دارد، نوسازی در کنار بازاریابی است؛ به این معنا که ارتقای فناوری، به‌روزرسانی زیرساخت‌ها و حفظ و توسعه فرآیندهای تولیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی در دستور کار قرار گیرد.

□□□

پس از آنکه دشمن امریکایی-صهیونی در نبرد نظامی شکست خورد، تلاش کرد تا هدف قراردادن برخی کارخانه‌ها و همچنین تحریم دریایی، جنگ را به صحنه اقتصادی بکشاند.
باین حال به دلیل تجربیات متعدد کشورمان (از جمله جنگ تحمیلی هشتساله و جنگ ۱۲ روزه و تحریم‌های اجزایی برخی پروژه‌های بازرگانی گذشته بر کشور تحمیل شده) اقتصاد کشور با تاب‌آوری توانست شوک‌های اولیه ناشی از این حملات را دفع کند.
حالا با طرح مباحث مربوط به بازاریابی ظرفیت‌های اقتصادی آسیب‌دیده در جنگ، موضوع الزامات اقتصاد ایران در دوره پساچنگ مورد توجه قرار گرفته است.

■ **بازسازی در پساچنگ فقط تأمین مالی نیست**

محمدرضا آجوری، کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه بازاریابی در پساچنگ فقط تأمین مالی نیست گفت:نبود برنامه جامع بازاریابی کشور را بانبوهی از پروژه‌های پراکنده و اتلاف منابع مواجه خواهد کرد.به گفته او در بسیاری از کشورها حتی در جریان جنگ‌های بزرگ تاریخ، عملیات اجزایی برخی پروژه‌های بازرگانی متناسب با شرایط موجود و امکانات در دسترس، در زمان جنگ نیز دنبال شده است. اما مهم‌تر از عملیات اجزایی، آماده بودن نقشه راه بازاریابی در زمان پایان بحران است.

او تصریح کرد: تدوین برنامه بازاریابی یک فعالیت مطالعاتی و کارشناسی است که می‌تواند همزمان با تدوام شرایط جنگی انجام شود. این فرآیند نیازمند تشکیل تیم‌های تخصصی و بین‌رشته‌ای برای بررسی زنجیره‌های آسیب‌دیده اقتصادی است؛ تیم‌هایی که در آنها کارشناسان حوزه‌های اقتصادی، مالی، بانکی، ارزی، صنعتی، لجستیکی، امنیتی، زیرساختی و زیست‌محیطی حضور داشته باشند.

به گفته این اقتصاددان، هدف اصلی این مطالعات آن است که کشور در نخستین روزهای پس از پایان شرایط جنگی با یک برنامه مشخص، اولویت‌بندی شده و قابل اجرا وارد مرحله بازاریابی شود. اگر چنین برنامه‌ای از پیش تدوین نشود، دولت، وزارتخانه‌ها، بانک مرکزی و سایر نهادهای تصمیم‌گیر با حجم گسترده‌ای از درخواست‌های متنوع برای تأمین مالی، بازاریابی و احیای فعالیت‌های اقتصادی مواجه خواهند شد.

او ادامه داد: در چنین شرایطی امکان بررسی جامع و هماهنگ مسائل از بین می‌رود و هر دستگاه بر اساس نیازهای فوری و مقطعی تصمیم‌گیری خواهد کرد. نتیجه این روند آن است که یک پروژه ملی و کلان بازاریابی، به صدها پروژه کوچک و پراکنده تبدیل می‌شود؛ پروژه‌هایی که هر کدام به صورت جداگانه دنبال می‌شوند اما الزاماً در راستای اهداف کلان اقتصادی کشور قرار ندارند. تجربه نشان داده است؛ چنین رویکردی معمولاً به ناکارآمدی، دوباره‌کاری، دخالت پروژه‌ها، افزایش هزینه‌ها و اتلاف منابع مالی و انسانی منجر می‌شود.

این کارشناس اقتصاد با اشاره به ضرورت نگاه فرابخشی در بازاریابی اقتصادی



گفت: بازاریابی صرفاً به معنای تخصیص منابع مالی به بنگاه‌ها نیست. ممکن است یک واحد تولیدی برای بازگشت به چرخه تولید نیازمند تجهیزات جدید باشد، اما در کنار آن باید وضعیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل، تأمین انرژی، دسترسی به ارز، شرایط واردات تجهیزات، شبکه لجستیک و حتی مسائل امنیتی نیز مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل بازاریابی موفق نیازمند هماهنگی میان دولت، بانک مرکزی، وزارتخانه‌های اقتصادی، صنعتی و زیرساختی و همچنین بخش خصوصی است. بدون چنین هماهنگی‌ای، حتی تأمین منابع مالی نیز نمی‌تواند به احیای سریع ظرفیت‌های اقتصادی منجر شود.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: کشور نباید منتظر پایان کامل شرایط جنگی برای آغاز برنامه‌ریزی بماند. آنچه امروز اهمیت دارد، تعریف دقیق مسئله، شناسایی آسیب‌ها، اولویت‌بندی نیازها و تدوین نقشه راه بازاریابی است.

■ **اقتصاد در کنار بازاریابی به نوسازی نیاز دارد**

هادی حق شناس، یکی دیگر از کارشناسان اقتصادی نیز با اشاره به الزامات اقتصاد ایران در دوره پساچنگ گفت: نخستین اولویت در این دوره، بازسازی است. همانگونه که در حوزه حمل‌ونقل نیازمند استفاده از هواپیماها و کشتی‌های نسل جدید هستیم، در بخش تولید نیز باید به سمت فناوری‌های نوین حرکت کنیم. در کنار این موضوع، کاهش سهم دولت در اقتصاد و افزایش نقش مردم و بخش خصوصی از اهمیت بالایی برخوردار است.

حق شناس تصریح کرد:اقتصاد پساچنگ ایران نیازمند تغییر رویکرد و اصلاح فابریدهای اقتصادی است؛ در غیر این صورت، اگر صرفاً به بازاریابی با الگوهای گذشته اکتفا شود، بسیاری از مشکلات ساختاری عمیق‌تر پابرجا خواهند ماند.

این کارشناس اقتصادی درباره کنترل تورم و نقدینگی در شرایط پساچنگ گفت:بابازگشت تجارت خارجی و فعالیت‌های اقتصادی به روند عسادی، امکان مدیریت بهتر متغیرهای پولی فراهم می‌شود. ایران از ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه صادرات برخوردار است و در صورت بهره‌گیری مناسب از درآمدهای صادراتی، کنترل نقدینگی نیز امکان‌پذیر خواهد بود. بدیهی است مهار رشد نقدینگی، نخستین گام برای کاهش نرخ تورم محسوب می‌شود. او در تشریح مهم‌ترین اولویت سیاستگذاری اقتصادی کشور تصریح کرد: ریشه اصلی بسیاری از مشکلات پولی و تورمی کشور به نحوه تدوین بودجه بازمی‌گردد. بودجه باید بر اساس منابع واقعی تنظیم شود و مصارف نیز متناسب با درآمدهای قابل تحقق تعریف شوند. در شرایطی که ابتدا هزینه‌ها تعیین شده و سپس برای تأمین منابع آنها به استقراض یا منابع غیرواقعی متوسل شویم، رشد نقدینگی و تورم اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اصلاح این رویکرد می‌تواند مهم‌ترین گام به کنترل نقدینگی و کاهش تورم باشد.

■ **ظرفیت‌های رشد اقتصادی بعد از جنگ فراهم شده است**

محمدرضا پورابراهیمی، رئیس کمیسیون اقتصادی مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در نشست اقتصاد مقاومتی سازمان سیخ سازندگی با اشاره به ظرفیت اقتصاد ایران برای رشد در شرایط پساچنگ گفت: در بررسی تحلیلی شرایط فعلی اقتصاد ایران در سناریوی بدبینانه و خوشبینانه و به‌ویژه بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد خوشبختانه ظرفیت‌های مناسبی از جهت رشد اقتصادی بعد از جنگ تحمیلی رمضان ایجاد شده است.

پورابراهیمی افزود: اقتصاد ایران با داشتن ظرفیت‌های زیادی که در اختیار دارد، همچنین با جوانان تحصیل کرده و کارشناسان داخلی می‌تواند زمینه رشد اقتصادی را فراهم کند. بنابراین اگر به ظرفیت‌های داخلی اقتصاد ایران توجه شود، رشد اقتصادی که بعد از جنگ ایجاد خواهد شد به مراتب از خسارت‌های جنگ بیشتر خواهد شد و اقتصاد ایران می‌تواند به بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه تبدیل شود. او تأکید کرد: همانگونه که قرار گاه جنگ امریکا در وزارت خزانه‌داری آن قرار داد، ما هم باید قرار گاه مرکزی اقتصادی برای مقابله با آن تشکیل دهیم.

افزایش مبلغ وام اشتغال به حداقل ۳۵۰ میلیون تومان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است

کاهش اثربخشی وام اشتغال با ارزش پایین سرانه

مبلغ وام اشتغال در حال حاضر ۲۰۰ میلیون تومان برای هر فرد است که با توجه به تورم سال اخیر، بیش از ۵۰ درصد از قدرت خرید این وام کاسته شده است

ارزش دلاری وام اشتغال هر فرد در سال ۹۰ معادل ۵ هزار و ۴۰۰ دلار بود ولی در حال حاضر به کمتر از هزار و ۲۵۰ دلار رسیده که به معنای کاهش ۸۰ درصدی قدرت خرید وام اشتغال طی ۱۵سال اخیر است

قیمت تجهیزات، مواد اولیه، ابزار کار و سرمایه مورد نیاز برای راه‌اندازی کسب و کارها رشد چشمگیری داشته است. در چنین شرایطی، اگر میزان تسهیلات متناسب با نرخ تورم افزایش پیدا نکند، عملاً قدرت خرید وام کاهش یافته و توانایی افراد برای اجرای طرح‌های اشتغالزایی محدود می‌شود. با وجود این واقعیت اقتصادی، مبلغ وام اشتغال مددجویان در مقایسه با رشد هزینه‌های سرمایه‌گذاری افزایش متناسبی نداشته است. همین مسئله موجب شده است بسیاری از طرح‌هایی که در گذشته با استفاده از یک فقره وام قابل اجرا بودند، امروز به منابع مالی بسیار بیشتری نیاز داشته باشند. بنابراین یکی از مهم‌ترین الزامات حفظ اثربخشی سیاست‌های حمایتی، به‌روزرسانی مستمر میزان تسهیلات بر اساس شرایط اقتصادی و نرخ تورم است.

وی افزود: در حال حاضر سقف وام اشتغال برای هر مددجو حدود ۲۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. این رقم اگرچه در ظاهر نسبت به سال‌های گذشته بسیار بیشتری نیاز داشته باشند. بنابراین یکی از مهم‌ترین الزامات حفظ اثربخشی سیاست‌های حمایتی، به‌روزرسانی مستمر میزان تسهیلات بر اساس شرایط اقتصادی و نرخ تورم است. وی افزود: در حال حاضر سقف وام اشتغال برای هر مددجو حدود ۲۰۰ میلیون تومان تعیین شده است. این رقم اگرچه در ظاهر نسبت به سال‌های گذشته بسیار بیشتری نیاز داشته باشند. بنابراین یکی از مهم‌ترین الزامات حفظ اثربخشی سیاست‌های حمایتی، به‌روزرسانی مستمر میزان تسهیلات بر اساس شرایط اقتصادی و نرخ تورم است.

توجهی وجود دارد.

اقیالی تصریح کرد: از یک سو، بانک‌ها به دلیل نگاه تجاری و سودمحور خود تمایل چندانی به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه و حمایتی ندارند و از سوی دیگر، بانک مرکزی نیز در بسیاری از موارد نتوانسته است تخصیص اعتبارات لازم و نظارت مؤثر بر اجرای تکالیف قانونی بانک‌ها را به شکل مطلوب انجام دهد. نتیجه این وضعیت آن است که هزاران نفر از متقاضیان واجد شرایط که می‌توانند وارد چرخه تولید و اشتغال شوند به دلیل نبود منابع کافی یا تأخیر در پرداخت تسهیلات، فرصت‌های اقتصادی خود را از دست می‌دهند. در شرایطی که کشور با چالش بیکاری و کاهش قدرت خرید خانوارها مواجه است، هرگونه تعلل در پرداخت وام‌های اشتغال به معنای از دست رفتن ظرفیت‌های مهم تولیدی و اشتغالزایی خواهد بود.

وی در رابطه با کاهش ارزش وام اشتغال فردی و سرانه این وام در طول زمان گفت: حتی در مواردی که تسهیلات اشتغال به متقاضیان پرداخت می‌شود، چالش مهم دیگری وجود دارد که اثرگذاری این سیاست را به شدت کاهش داده است و آن، کاهش ارزش واقعی وام در نتیجه تورم است. اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تورم‌های سنگینی را تجربه کرده و



توجهی وجود دارد. اقبالی تصریح کرد: از یک سو، بانک‌ها به دلیل نگاه تجاری و سودمحور خود تمایل چندانی به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه و حمایتی ندارند و از سوی دیگر، بانک مرکزی نیز در بسیاری از موارد نتوانسته است تخصیص اعتبارات لازم و نظارت مؤثر بر اجرای تکالیف قانونی بانک‌ها را به شکل مطلوب انجام دهد. نتیجه این وضعیت آن است که هزاران نفر از متقاضیان واجد شرایط که می‌توانند وارد چرخه تولید و اشتغال شوند به دلیل نبود منابع کافی یا تأخیر در پرداخت تسهیلات، فرصت‌های اقتصادی خود را از دست می‌دهند. در شرایطی که کشور با چالش بیکاری و کاهش قدرت خرید خانوارها مواجه است، هرگونه تعلل در پرداخت وام‌های اشتغال به معنای از دست رفتن ظرفیت‌های مهم تولیدی و اشتغالزایی خواهد بود.

وی در رابطه با کاهش ارزش وام اشتغال فردی و سرانه این وام در طول زمان گفت: حتی در مواردی که تسهیلات اشتغال به متقاضیان پرداخت می‌شود، چالش مهم دیگری وجود دارد که اثرگذاری این سیاست را به شدت کاهش داده است و آن، کاهش ارزش واقعی وام در نتیجه تورم است. اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تورم‌های سنگینی را تجربه کرده و

اهمیت وام اشتغال گفت: یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در حوزه عدالت اجتماعی، فراهم کردن زمینه توانمندسازی اقتصادی اقشار ضعیف و کم‌برخوردار جامعه است. در این میان، سیاست‌های حمایتی زمانی بیشترین اثربخشی را خواهند داشت که به جای ایجاد وابستگی، زمینه اشتغال پایدار و درآمدزایی مستقل افراد را فراهم کنند. بر همین اساس، اعطای تسهیلات اشتغالزایی به مددجویان نهادهای حمایتی طی سال‌های گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. فلسفه اصلی این تسهیلات آن است که افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی بتوانند با دریافت سرمایه اولیه، کسب و کار کوچک خود را راه‌اندازی کرده و از چرخه فقر و وابستگی خارج شوند.

وی افزود: بسیاری از طرح‌های موفق در حوزه مشاغل خانگی، صنایع کوچک، خدمات محلی، کشاورزی، دامداری و حتی انرژی‌های تجدیدپذیر با اتکا به همین تسهیلات شکل گرفته‌اند. با این حال، اگرچه اصل سیاست اعطای وام اشتغال اقدامی ارزشمند و ضروری محسوب می‌شود، ولی در حوزه عملیاتی با مشکلات اساسی روبه‌روست.

وی افزود: یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در اهمیت وام اشتغال گفت: یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌ها در حوزه عدالت اجتماعی، فراهم کردن زمینه توانمندسازی اقتصادی اقشار ضعیف و کم‌برخوردار جامعه است. در این میان، سیاست‌های حمایتی زمانی بیشترین اثربخشی را خواهند داشت که به جای ایجاد وابستگی، زمینه اشتغال پایدار و درآمدزایی مستقل افراد را فراهم کنند. بر همین اساس، اعطای تسهیلات اشتغالزایی به مددجویان نهادهای حمایتی طی سال‌های گذشته به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است. فلسفه اصلی این تسهیلات آن است که افراد تحت پوشش نهادهای حمایتی بتوانند با دریافت سرمایه اولیه، کسب و کار کوچک خود را راه‌اندازی کرده و از چرخه فقر و وابستگی خارج شوند.

وی افزود: بسیاری از طرح‌های موفق در حوزه مشاغل خانگی، صنایع کوچک، خدمات محلی، کشاورزی، دامداری و حتی انرژی‌های تجدیدپذیر با اتکا به همین تسهیلات شکل گرفته‌اند. با این حال، اگرچه اصل سیاست اعطای وام اشتغال اقدامی ارزشمند و ضروری محسوب می‌شود، ولی در حوزه عملیاتی با مشکلات اساسی روبه‌روست.

وی افزود: یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در

امیرحسین اقبالی، کارشناس اقتصادی: از یک سو، بانک‌ها به دلیل نگاه تجاری و سودمحور خود تمایل چندانی به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه و حمایتی ندارند و از سوی دیگر، بانک مرکزی نیز در بسیاری از موارد نتوانسته است تخصیص اعتبارات لازم و نظارت مؤثر بر اجرای تکالیف قانونی بانک‌ها را به شکل مطلوب انجام دهد. نتیجه این وضعیت آن است که هزاران نفر از متقاضیان واجد شرایط که می‌توانند وارد چرخه تولید و اشتغال شوند به دلیل نبود منابع کافی یا تأخیر در پرداخت تسهیلات، فرصت‌های اقتصادی خود را از دست می‌دهند. در شرایطی که کشور با چالش بیکاری و کاهش قدرت خرید خانوارها مواجه است، هرگونه تعلل در پرداخت وام‌های اشتغال به معنای از دست رفتن ظرفیت‌های مهم تولیدی و اشتغالزایی خواهد بود.

وی در رابطه با کاهش ارزش وام اشتغال فردی و سرانه این وام در طول زمان گفت: حتی در مواردی که تسهیلات اشتغال به متقاضیان پرداخت می‌شود، چالش مهم دیگری وجود دارد که اثرگذاری این سیاست را به شدت کاهش داده است و آن، کاهش ارزش واقعی وام در نتیجه تورم است. اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تورم‌های سنگینی را تجربه کرده و

سیاست‌های اقتصادی کشور باید متناسب با شرایط جدید باز آرای شوند

عبور از چاله ناترازی انرژی با مردمی‌سازی حکمرانی

تغییر رویکرد از «تنبیه مصرف‌کننده» به «پاداش صرفه‌جویی» می‌تواند میلیون‌ها ایرانی را به همکار دولت در مدیریت مصرف تبدیل کند

اقتصادی آن به‌رمند شود. مزیت اصلی این سازوکار آن است که مردم را به ذی‌نفع مستقیم بهینه‌سازی مصرف تبدیل می‌کند. در بسیاری از سیاست‌های فعلی، دولت تلاش می‌کند از طریق افزایش تعرفه یا اعمال محدودیت، مصرف را کنترل انرژی صرفه‌جویی دارند و با مقاومت اجتماعی اصلی مردم کسب منفعت از صرفه‌جویی است. به بیان دیگر، اگر یک خانواده بتواند با استفاده از تسهیلات مصرف، مصرف برق و گاز خود را کاهش دهد، اعتبار آزاد آن به یک دارایی اقتصادی تبدیل خواهد شد. در نتیجه مردم نه به دلیل ترس از جرم، بلکه به دلیل دریافت پاداش، به سمت مدیریت مصرف حرکت خواهند کرد. این تغییر رویکرد از «تنبیه مصرف‌کننده» به «پاداش صرفه‌جویی» یکی از مهم‌ترین سازوکار پاداش‌محور

یکی از مهم‌ترین اصلاحات ساختاری که می‌تواند زمینه مردمی‌سازی حکمرانی انرژی را فراهم کند، اعطای اعتبار انرژی به هر ایرانی بر اساس کد ملی است. در این الگو، سهم مشخصی از پارانه انرژی کشور در قالب اعتبار برق، گاز و بنزین به هر فرد تعلق می‌گیرد و هر شهروند مالک سهم خود از منابع انرژی خواهد بود. در شرایط فعلی، بخش قابل توجهی از پارانه انرژی به شکل ناعادلانه توزیع انرژی شده است. در حالی که مردم از جایگاه مصرف‌کننده صرف خارج شده و به بازیگران فعال بازار انرژی تبدیل شوند.



باقی مانده است. واقعیت آن است که الگوی فعلی حکمرانی انرژی در کشور، مردم را عمدتاً به مصرف‌کننده تبدیل کرده است. در این مدل، دولت تولیدکننده، توزیع‌کننده و پارانه‌دهنده انرژی است و مردم صرفاً دریافت‌کننده خدمات محسوب می‌شوند. نتیجه چنین ساختاری افزایش مصرف، کاهش انگیزه برای بهینه‌سازی و وابستگی کامل خانواده‌ها به منابع دولتی بوده است. در حالی که عبور پایدار از ناترازی انرژی مستلزم آن است که مردم از جایگاه مصرف‌کننده صرف خارج شده و به بازیگران فعال بازار انرژی تبدیل شوند.

توسعه ظرفیت تولید برق عمدتاً بر دوش دولت یا شرکت‌های بزرگ قرار گرفته است. در حالی که فناوری‌های جدید این امکان را فراهم کرده‌اند که میلیون‌ها خانوار نیز به تولیدکننده انرژی تبدیل شوند

خانه‌ها و واحدهای مسکونی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که میلیون‌ها متر مربع سقف و نمای ساختمان در سراسر کشور می‌تواند به نیروگاه‌های کوچک تولید برق تبدیل شود. اگر دولت سازوکارهای مالی و حقوقی لازم را فراهم کند، هر خانه ایرانی می‌تواند بخشی از برق مورد نیاز خود را تولید کرده و مازاد آن را به شبکه بفروشد. در چنین مدلی، خانوارها علاوه بر مصرف‌کننده صرف به تولیدکننده و سرمایه‌گذار انرژی تبدیل می‌شوند. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد توسعه نیروگاه‌های خورشیدی خانگی می‌تواند ظرف چند سال بخش قابل توجهی از نیاز کشور برق را تأمین کند. این مدل علاوه بر کاهش تولید برق، موجب کاهش وابستگی به شبکه انتقال، کاهش هزینه‌های سرمایه‌گذاری دولتی و افزایش تاب‌آوری انرژی کشور خواهد شد. ناترازی انرژی یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی مهم‌ترین ارکان حکمرانی نوین انرژی محسوب می‌شود و می‌تواند میلیون‌ها ایرانی را به همکار دولت در مدیریت مصرف تبدیل کند. ■ **مردم، بزرگ‌ترین ظرفیت مغفول تولید انرژی** در کنار مدیریت مصرف، مسئله افزایش تولید انرژی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سال‌هاست که توسعه ظرفیت تولید برق عمدتاً بر دوش دولت یا شرکت‌های بزرگ قرار گرفته است. در حالی که فناوری‌های جدید این امکان را فراهم کرده‌اند که میلیون‌ها خانوار نیز به تولیدکننده انرژی تبدیل شوند. انرژی خورشیدی مهم‌ترین نمونه این تحول است. ایران به دلیل برخورداری از تابش مناسب خورشید در بخش وسیعی از جغرافیای کشور، یکی از مستعدترین کشورهای جهان برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی محسوب می‌شود. با این حال سهم انرژی خورشیدی در سبد تولید برق کشور همچنان ناچیز است. علت اصلی این مسئله آن است که توسعه انرژی خورشیدی عمدتاً در قالب پروژه‌های بزرگ و متمرکز تعریف شده و ظرفیت محرک پیشرفت و امنیت انرژی تبدیل کند.